

سیمای امام حسین علیه السلام در زیارت نامه ها

محمد رضا برتقہ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای حسین (علیه السلام) در زیارتنامه ها

نویسنده:

محمد رضا برته

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	سیمای حسین علیه السلام در زیارت نامه ها
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۸	بررسی جنبه های شخصیتی امام حسین علیه السلام
۸	صحیفه ۱
۸	برهانی آشکار
۸	اشاره
۹	فرزند والدین پاک
۹	حقیقت نماز
۱۰	مودی زکات
۱۰	مجاهدی نستوه
۱۱	کشته دوست
۱۱	صحیفه ۲
۱۱	اشاره
۱۱	امر به معروف و نهی از منکر
۱۲	پدران امت
۱۲	میزان صداقت
۱۳	سحاب رحمت
۱۳	آنچه خوبان همه دارند؛ تو تنها داری
۱۴	صحیفه ۳
۱۵	صحیفه ۴
۱۵	اشاره
۱۵	شهادت به راستی

۱۵ اقرار به گناه

۱۶ تکرار پیمان

۱۶ ذکر مصیبت

۱۷ هجرت

۱۸ درباره مرکز

نوع: مقاله

پدیدآور: برته، محمدرضا

عنوان و شرح مسئولیت: سیمای حسین در زیارتنامه ها [منبع الکترونیکی] / محمدرضا برته

ناشر: محمدرضا برته

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۸ بایگانی: ۴۱.۶KB)

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم

مقدمه

آوازه سردمدار قدس، بسی فراتر از آن است که دست ما جنبندگان خاک به دامن آن ساقی افلاک، متبرک گردد، ولی مرحبا بر آن چشمه جوشان کرم، که دمام جلوه گری می کند و خاطر آشفته ما را به رنگ یادش می آراید. خود هر چه نگریستم، چیزی ندیدم و هر چه شنیدم، هیچ نفهمیدم. آنچه در تکاپوی رؤیت جمالش نصیبم شد؛ پرسشی است که تار و پود وجودم را به لرزه درآورده و چونان سنگی سنگین، برگردانده پیکرم سوار است. و من پاسخش را خواهم فهمید که آخر: «این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست» اما هر چه در پی استفهام خویش، "هل من ناصر" سراپیدم؛ طنین هیچ لیکی گوش وجودم را نخواست. گویی که من همه در کربلایی دیگر گرفتار آمده باشم. اما مرا به مسلخ نخواهند برد؛ مرا قطعه قطعه خواهند کرد و آن قدر حنجره ام را خواهند آلود، تا دیگر تمنای نام زیبایش از من نترود. در این واپسین لحظه های عشق و مستی، که چشم ها ره گم کرده و دل ها مرده اند؛ امیدم به تنهاترین نوری است که می تواند مرا به هدایتم رهنمون شود. هدایت گری که در بی شمار لغزش های زندگی و سیلاب های بنیان کن غزنده، ناجی این طفل ره گم کرده بوده است. و من خوب می دانم که معرفت او، جز به دستگیری خاندانش، گزافه ای بیش نیست. از این رو، چون کودکی خرد، در مقابل عالمانی بزرگ، زانوی ادب بر زمین زده

و گوش جان به اشارات ایشان سپردم. و بی یاری آن بی همتا، در زیارات و ادعیه معصومین (ع) در حل چرای خویش کوشیدم. از حضرتش می طلبم که آنچه گدایی کرده ام، قیاس هایی عقیم همانند نوشته هایی بر آب نباشد؛ که دیری نخواهند پایید. به امید این که ما هم زیر لوای سرخ دوست، آب و رنگی به خود بگیریم و نفسی تازه کنیم.

بررسی جنبه های شخصیتی امام حسین علیه السلام

ویژگی های شخصیتی اباعبدالله الحسین (ع) را می توان از جهت های گوناگونی بررسی کرد، اما چون در این مقاله، زیارت نامه ها را مبنای شناخت ایشان قرار داده ایم؛ بر آن شدیم تا بدون پیش داوری و دور از منابع شناختی دیگر در این راستا گام برداریم. البته از اشارت های قرآنی و اخباری که در تأیید و یا تبیین مضامین مورد بحث وجود داشته اند، بی بهره نبوده ایم. آنچه که راجع به ایشان، در زیارت های معصومین: آمده، غالباً بر چهار محور اساسی زندگانی وی، توجهی خاص دارند: الف) زندگی فردی و فضایل رفتاری؛ ب) آموزه های فرهنگ شیعی، در غالب شخصیت اجتماعی؛ ج) برخوردهای دوگانه مردم مختلف با واقعیت حسین (ع)؛ د) وظایف و مسئولیت های پیروان ایشان در قبال وی. بی یاری خدا هر یک از موارد مذکور را تحت عنوان صحیفه بررسی خواهیم کرد.

صحیفه ۱

برهانی آشکار

اشاره

انسان ها در هنگام درجه بندی، از حیث تطابق کرده هایشان با واقعیت ها، تحلیل می شوند و هر چه افعال فرد، مطابق با معیارهای انسانی و الگوهای صحیح رفتاری باشد؛ در رتبه ای بالاتر قرار گرفته و خویش را بدان الگو، نزدیک تر کرده است. در این میان انسان هایی به چشم می خورند، که چون خود را وقف فضایل کرده و ذره ای غبار را به آینه وجود خویش راه نداده اند؛ اسوه خوبی لقب می گیرند. گاهی نیز کاراز این هم فراتر رفته و اساساً شخص به عنوان خود عمل صحیح - و نه صرفاً نمودی از آن - نام می گیرد. این جاست که وی را، حجت، برهان و میزان می نامند. حجت؛ یعنی برهان و به زبانی ساده تر، همان چیزی است که می توان آن را به عنوان خط مشی و راه و رسم زندگی دانست. حجت، همان نماینده خدا در زمین است که مصداق کاملی برای ائی

جاعل فی الارض خلیفه می باشد. حجت، علت آفرینش و زیر بنای مکارم اخلاق است. امام حسین (ع) نیز همانند دیگر پیشوایان شیعه، خویش را در نیل بدین رتبه الهی، به نحوی کامل موفق نشان داد. پس حال که وی نمونه عملی خدایی بودن و به مثابه برهانی عقلی، معیار شناخت صحیح حقایق است؛ باید گفت: «اللازم لکم لاحق». او فردی است که تمامی جنبه های مثبت زندگی را در خود جای داده و از این روست که نزد حق تعالی به عنوان شاهد و گواه امت برانگیخته شده. سؤال این است که چگونه می شود تا فردی بدین درجه از معنویت برسد؟ و اساساً او باید چه رفتاری داشته باشد تا موفق به کسب چنین مراتبی شود؟ بنا به آنچه ما در زیارت ها دیدیم؛ ویژگی های فردی حسین (ع) عبارتند از

فرزند والدین پاک

این که انسان مراحل رشد را طی کند، امری اختیاری است. اما برخی مسائل، فراتر از خواست فردی می تواند بنا به اراده الهی، تاثیر به سزایی در این موضوع داشته باشد. یکی از آنها مسئله والدین (طلب و رحم) است؛ که اولین قدم را در سیر معنوی فرد بر می دارد. حسین (ع) از این لحاظ، بالاترین توفیق الهی را داشته و فرزند برترین پدرها و مادرها بوده است. او پسر رسول خدا، امیرالمؤمنان و فاطمه (س) است؛ که همگی ایشان از معصومین بوه و مورد عنایت خاص حق تعالی قرار داشته اند.

حقیقت نماز

نماز واقعه ای است که فطرت آدمی را بازگشتی دوباره به خرمن گاه عرش می دهد. نماز نه عملی تکراری و نه تمرینی لازم، بلکه شعری استوار، درخور شاعری بزرگ است. نماز محبوب رسول خدا است. چرا؟ شاید پاسخ های فراوانی در این باره به ذهن آدمی بترآود. اما حقیقت نماز چیز دیگری است؛ که جز نماز گزاران حقیقی، آن رانمی دانند. می گویند اگر بیم جان و مال داشتی، مال بر تن دار و پاپوشت در نیاور و به اشاره، نماز را به پا دار!! امام حسین (ع) که بیم جان نداشت و تن پوشی غیر از نور به تن نمی کرد. جان حسین، نماز حسین بود. وی هرگز، موج حضور در اقیانوس نماز را به امن جسم خویش در ساحل رفاه نفروخت. چون به موج آویز و از ساحل پرهیز همه دریاست ما را آشیانی و از این رو بود که کشتی نجاتی برای پیروان خود شد. نماز وی نمادی نمادین از حق گویی و توحید صرف بود. توحیدی که اگر «لا مؤثر فی الوجود» را درک کرد؛ نفی جبت و طاغوت را در بر دارد و عزّتی برای موحد می آفریند که

به عنوان اقامه گر راستین نماز مطرح می شود و ذکر خراباتیان اهل دل می گردد.

مودی زکات

زکات در عرف متشرّعه، خروج سهمی معین از مال چون طلا، نقره و... است. یقیناً حسین (ع) بدین معنا مؤدّی زکات بوده، زیرا که او نیز چون مردم دست رنج خویش می خورد و عرق جبین می ریخت. اما زکات را معنایی گسترده است که نیل به آن، جز از مقربان درگاه و اولیای دوست، خواستی نابخردانه است. زکات ادای حق الهی، چه از مال و دارایی، عزّت و مولایی، سرا و سرسرای است. حسین نه حدّ نصاب، بلکه هر چه داشت را زکات خدای خویش کرد. دار و ثروتش را به یغما بردند. بی خردان و جاهلان، سوار بر مرکب ضلالت به هجو و توهین ایشان پرداختند؛ تا وی به گران ترین بهایی، عزت و سروری خویش را نقد کند. اما این نه آن حسینی است که ما می شناسیم. او فرزندانانی دارد که شبیه رسول خدایند. حضرتش جلّ جلاله می داند که بین او و بنده اش چه گذشت و چگونه حسین بن علی با فرح و شادکامی زکات عشیره خود را پرداخت کرد. زکاتی که از تمام عالم کفایت می کند.

مجاهدی نستوه

تکاپو و کوشش امری است که مقتضای طبیعت هر موجود زنده است. اگر این تلاش، مبنایی صحیح و جهتی سالم باشد؛ در دایره ارزش گذاری جایی برای خود باز خواهد کرد. و هر چه سمت و سوی آن در کنف تایید معبود باشد، به همان اندازه در احراز رتبه ای فراتر موفق می گردد. حسین (ع) چون جز خدا نمی دید و به کسی جز خدا فکر نمی کرد؛ هر آنچه انجام می داد برای خدا و در راه خدا بود. از کوشش در میدان های جنگ و جهاد گرفته تا مبارزه با خواهش های انسانی. پس اگر درباره حضرتش گفته شود

که "وجاهدت فی سبیل الله" یعنی ای حسین، گواهی می دهم که تو جهاد را به تمام جوانبش در راه یکتای بی مانند کامل نمودی.

کشته دوست

انسانی که تمامی دارایی اش را برای محبوب بی بدیش در طبق اخلاص می گذارد؛ اساساً چیزی برای خود قائل نیست. او خود را انعکاسی از وجود ذی قیمت محبوب می داند و اگر چنین شد، هر آنچه شد، هر آنچه هست، برای اوست. اما چنین کسی از حرکت باز نمی ماند. می غرّد، می خروشد و طوفان به پا می کند. حسین (ع) که جای خالی عزیزانش را احساس می کرد، قرعه را به نام خود می بیند. وقت آن رسیده تا زمین و زمان درهم کشیده شوند و داغ پدر، مادر و برادر تازه گردد. روزی را باید که مُحب، دمی را غرق در نفحات رؤیت محبوب بیسایید. حسین (ع) عاشورا را برگزید تا شور برانگیزاند و شر آن که می باید: «قَتِلَ الْحُسَيْنُ بِكَرْبَلَا»

صحیفه ۲

اشاره

آن گونه که در ابتدای مقاله وعده کرده بودم؛ در این بخش از گفتار، به برخی از ویژگی های شخصیت اجتماعی امام حسین (ع) خواهیم پرداخت.

امر به معروف و نهی از منکر

باید از میان شما، جمعی به نیکی دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند؛ اینان رستگارانند. در بعد رفتار جمعی حسین (ع) برجسته ترین ستاره درخشان، جنبه آمر و ناهی بودن ایشان است. که اگر این سنت حسنه در دوران غضب ناهلان به فراموشی سپرده نمی شد؛ چه بسا لازم نبود تا کربلایی آن گونه به پا شود. و اگر مردم آن دیار به خوبی درس امر و نهی را از نینوا فرامی گرفتند؛ چه بسا نمی آمد روزی که خاندان عصمت، یکی پس از دیگری کشته و مسموم شوند. و اما امر و نهی، لیاقتی درونی می طلبد که خود انسان به راحتی آن را می فهمد. هر چند که امر به معروف و نهی از منکر، و لو از غیر عامل به هدف، خواسته شده و مطلوب است. اما شاید از این رو باشد که مداومت بر این مطلب، اهمی خود جوش در درونی کردن ارزش ها و مفاهیم گران سنگ بندگی است. این فریضه الهی، مراتبی در خور موقعیت های جامعه دارد که شناخت آنها، در برخی موارد، امری دشوار است. در دیار حسین (ع) موجوداتی بودند دوپا، که چونان انسان راه می رفتند. اما تفکر درستی نداشتند. همانند دیو و دد یاهو گری می کردند و همه چیز را از آن خود می دانستند. کشتن اینها چیزی را عوض نمی کرد. این اوهام شوم درندگان بود که باید عوض می شد. پس تقدیر بر این شد تا برترین انسان ها به دست شقی ترین آنها، به قربانگاه رود؛ تازمین سرد مرده را با رنگ سرخ، دوباره به جوش و

خروش فراخواند. حسین (ع) بالاترین درجه از امر و نهی را برگزید و نموداری ابدی، از پایمردی و آزادگی را به تصویر کشید تا به آدمیان فرا روی خود بفهماند که: سکوت موج، عدم او را در پی دارد.

پدران امت

ما در گذار زندگی و آمد و شد ایام، چیزهایی را می بینیم که ما را درس بزرگی و سخاوت می آموزند. در میان آدمیان اطراف خود، انسان هایی را سراغ داریم که نمی توانند از آنچه می بینند، به آسودگی گذر کنند. ایشان باز مسولیتی سنگین را بر گردن خود می کشند. اینان پدران امتند. عابدی پیر و خمور را تصوّر کنید که تمام عمر را در پستویی برای جلب رضایت معبودش خزیده. او فردی است خداخواه. اما بین خداخواه و خدا خوان تفاوتی است میان زمین و آسمان. پدر این امت در دهه هفت هجری قمری، خداخوانی را به درستی به ما آموخت. در احوال وی (ع) آمده است: "تو [مردم را] به راه خدا خواندی" بلکه باید گفت که او، خود نمودی از زیبایی های معبود بود که هر بیننده ای را در جست جوی پروردگارش مشتاق می کرد. اما نه چونان قرون تسلط کلیسا، بلکه با حکمت، وعظ و بیانی سبحانی، راه را بر پویندگان می نمود و چراغ هدایتشان می شد.

میزان صداقت

در احوال جدّ بزرگ پیشوای سوم آمده که وی شهره راست گویی و عدالت خواهی بود. به نحوی که حتی قبل از بعثت و در ایام جوانی او را محمد امین می خواندند. اما راست پنداری امری ارثی نبوده و فضیلتی تعلیمی است. حسین (ع) در خاندانی چشم به جهان گشود که تعلیم و تربیت از اساسی ترین ارکان زندگی به شمار می رفت و ذره ای غبار کذب در آن راه نداشت. او نیز به سبب تعالیم و حیانی اهل بیت عصمت، پس از برادر بزرگوارش پرچمدار راستی و آزادگی شد و این از تمام لحظه های زندگی ایشان نمایان است. او تا اندازه ای این را پیمود که از جانب خداوندش به عنوان میزان

صداقت لقب گرفته و حضرت حق به سبب وی راست را از کج و خوب را از بد تمایز داد. پس هر آنچه در جوار حسین است، بایسته و هر آنچه در مقابل اوست، زشت و ناشایست است.

سحاب رحمت

هر آنچه را که خدا آفرید؛ برای این خاندان و چونان تحفه ای از آن ایشان بود. حسین (ع) که فرزند علی و نواده پیامبر اکرم (ص) رحمت عالمیان است؛ به تصریح پیامبر، شفیع این امت می باشد. این حاکی از سخاوت و مهربانی آل کساء به پیروان ایشان است. پس اگر ما نعمتی را در دستان خود احساس می کنیم؛ باید بدانیم که وامدار چه کسانی هستیم. این مطلبی است که می توان آن را در جای جای متون روایی دید. از جمله در زیارات حسین (ع) اشاراتی کافی بدین موضوع رفته است. آنجا که می فرماید: «آسمان به سبب شما باران می باراند و زمین به خاطر شما درخت می فشانند. و درختان از برایتان به بار می نشینند». این جملات به مثابه کنایه ای است از بیان این حقیقت که، ایشان واسطه های فیض الهی و سبب اتصال خاک و افلاک هستند. و شاید بتوان گفت که اینان روحی دمیده شده، در کالبد وجودند.

آنچه خوبان همه دارند؛ تو تنها داری

انبیاء و ائمه: هر یک تبلوری از اسم حضرت حق و نمودی از صفات باری تعالی هستند. در زیارت شریف «وارث» به ویژگی های هر یک از پیامبران صاحب شریعت اشاره هایی آمده است که شاید این صفات بیش از نام و کنیه ایشان، نزد مردم شناخته شده باشند. صفاتی که اتصاف به آنها، از ناحیه خداوند، نشانه بزرگی بر کمال فرد است و در واقع، اینها مدارج وجودی حضرات انبیا می باشند. اگر چنین تصور کنیم؛ پس درجه و قرب آن که جمیع این خوبی ها را در خود جای داده چه خواهد بود؟! او آن قدر بالا و مولا است که جز پیامبرش و خاندان پاک وی او را یارای توصیف نیست. یکی از آن بزرگانی که تمام فضایل انبیا و ائمه

پیش از خود را، در ذات پاک خویش پرورانیده، حضرت حسین (ع) است. آن جا که می فرماید: تو آبروی آدم، نبوت نوح، رفاقت ابراهیم کلام موسی، روحانیت عیسی، حب محمد، وصایت علی، متانت زهرا و رضایت حسن را به ارث بردی.

صحیفه ۳

نگاهی گذرا در تاریخ حسین (ع) و دعاها و زیاراتی که درباره آن بزرگوار وارد شده تا حدودی ایشان را شناختیم. و این شناخت کم، ولی گران مایه، برای ما کافی است تا بتوانیم زشت و زیبا را از هم جدا کنیم. اما چرا مردم عصر وی به این قدرت از تمیز نرسیدند؟ آیا آنها چشم دیدن نداشتند و یا گوش شنیدند؟ و یا این که معیار صحت و سقم و خوبی و بدی، نزد آنها، چیزی غیر از آن بود که ما می دانیم؟ زیرا سؤال این است: انسانی که صلاح خویش را می خواهد و می تواند خوبی راد رک کند و خیر و نیکی را در همسایگی خویش می بیند؛ چرا به سوی آن، راهی نیست؟ برای پاسخ به این مطلب، لاجرم باید مردم آن زمان را نسبت به حسین (ع) به احزابی متفاوت تقسیم کرد: ۱- گروه اول کسانی بودند که قلب سلیمی داشتند و چشم خویش را گشوده و نور هدایت را مشاهده می کردند، که ایشان رستگارانند. هر چند که تعداد ایشان زیاد نبود، اما این خود دلیلی است بر این که معیار پسندیدگی تغییر نکرده و فطرت آدمی عوض نشده است. ۲- گروه دوم کسانی بودند که حقیقتاً چشم دیدن و گوش شنیدن نداشتند. اینان هر چند که فضایل اهل بیت عصمت: را دیده بودند، اما چون اهل تفکر و تعقل نبودند، هر آنچه را که می شنیدند، می پذیرفتند و ایشان مستضعفانند. ۳- گروه سوم، کسانی بودند که هم

چشم دیدن داشتند و هم شعور فهمیدن. اما سیلی نقد را به حلوای نسیه ترجیح می دادند. ایشان که در شهوت پرستی و اغواگری ید طولایی داشتند؛ نمی توانستند از طلا و نقره و کام این دنیا دست بردارند. اینها که مهره های اصلی ضلالت بودند، تعدادشان چندان زیاد نبود. ولی حق را لباس باطل پوشانده و باطل را حق جلوه می دادند تا عوام دور از ادراک را بفریبند و برای خود لشکری مهیا سازند. این گروه ستم پیشه، همان یهود امت و نمود بارزی از جیت و طاغوتند: *يلعنهم اللهو يلعنهم اللاعنون*. در زیارات ابا عبدالله (ع) *الحسین (ع)* به گروه اول و سوم، به صراحت اشاره شده است؛ آن جا که می فرماید: *«السلام علی الحسین... و علی اصحاب الحسین»*. و آن جا که می گوید: *«الهم العن العصابة الّتی جاهدت الحسین»*. این گونه تعبیرها بسیارند که برای ما پرده از وقایعی شگرف بر می دارند. آنها به ما می گویند: *«قولوا لا اله الا الله تفلحوا»*

صحیفه ۴

اشاره

پس از این که نمای کلی و انعکاسی دور از پرتو جمال حسین (ع) چشم دلمان را روشن کرد و دانستیم که اگر با او باشیم رستگاریم. نوبت به این می رسد که چگونه باید با او بودن و دل در گروش نهادن را تجربه کنیم. این مطلب مهم از دید زیارات امام سوم (ع) پنهان نمانده و در برخی از فرازها در غالب دعا و آرزو، اشاراتی بدان آمده است. به عنوان نمونه، همانند مباحث پیشین، پنج مورد از آنها را در چند سطر بحث می کنیم:

شهادت به راستی

شهادت یعنی خبری قاطع. وقتی انسان می تواند نسبت به چیزی با قطع و یقین سخن سراید که او را ایمان به گفته هایش باشد. ایمان را لوازمی است که بدون آن نمی توان به مقصود رسید. پس اگر آمده است که زائر بگوید: «و شهادت می دهم که نماز خواندی... ایفا و ادای حق نمودی؛ یعنی باید به این یقین بررسی که حسین (ع) این گونه بوده است». یقین نیز آن گونه که در زیارات وی آمده، فرع به دم یا موت و عمل صالح است. حال اگر زائری آرزو دارد که تمام و کمال ثواب زیارت حسین (ع) که یقیناً شفاعتش را در پی دارد؛ ببرد، باید با ایمانی برخواسته از علم و عمل، شهادت به راستی حضرتش را سرلوحه اعمال و افکار خود قرار دهد. هر چند که این کار سودی برای امام ندارد، اما *«دق البابی است برای فتح مشکلات خود زائر و قرار گرفتنش در سایه عنایات ایشان، تا وی نیز بتواند ملازمت با امام را درک کند»*.

اقرار به گناه

در شرع مقدّس اسلام، بر خلاف دیگر مذاهب، اقرار به گناه، در برابر هر شخصی که باشد، خود گناهی است، بزرگ تر و خطایی نابخشودنی، که موجب ذلّت فرد، اشاعه ظلم و استخفاف گناه است. اما در برخی موارد، نه تنها اقرار به گناه این پیامدهای منفی را ندارد، بلکه با تبتّهی که به نفس می دهد او را از خواب غفلت بیدار می کند، تا زشتی گناه و عظمت ترک آن را درک نموده و با توسّل به صاحبان فضیلت، جسم را از ناپاکی ها بشوید. یکی از آن میعادگاه های سخاوت، بارگاه حسین است. زیرا بنا بر آنچه که در زیارات وی آمده، زائر باید در بارگاه حضرتش اقرار

به گناهان خود نموده و در جوار امام مهربان خویش از ناتوانی خود در مبارزه با هیولای وجودش شکوه کرده و از ایشان یاری بطلبید. شایسته است تا بدین هم اکتفا نکرده و از وی بخواهد تا پلیدی هایی را که لوح سفید وجودش را کدر کرده اند، به آب شفاعت بشوید. و این همان، همان نوید عزت و آزادگی است که از جای جای دشت کربلا هنوز هم به گوش می رسد.

تکرار پیمان

ما در ازل بیعتی را با خون خدا امضا نموده ایم تا هر چه می کنیم در راستای رضایت حضرتش باشد و بس. اما غفلت از پیمان و سرگرم شدن در روزمرگی های زندگی، ما را از آنچه برای آن آمده ایم، دور می کند و به راهی ناخواسته می کشاند. پس لازم است لوازمی چون حربه در دست داشته باشیم تا با خواسته های زندگی دنیا قرین نشده و در منجلا ب رخوت و سستی نغلطیم. یکی از آنها که بسیار مؤثر بوده و در واقع نیروی درونی در انسان ایجاد می کند، تجدید میثاق است. از همین رو، یکی از اموری که زائر بدان توصیه اکید شده، تکرار بیعت با صاحب مزار است. بدین معنا که با حضرتش پیمان ببندد، تا در نیل به هدفی که از برایش آفریده شده، قدمی از پانایستد و همیشه این پند را به هوش باشد که: «رستگاری از آن حسینان است و بس»

ذکر مصیبت

ذکر؛ یعنی تکرار و یادآوری چیزی. وقتی به انسان گفته می شود که ذکر مصیبت کنید؛ یعنی مصائب، پیامدهای آن و تمام محنت های حسین (ع) را در وجود خود، زمزمه و تکرار کنید. عزاداران حسین بسیارند؛ گویی هر آنچه که هست و نیست، برای او اشک می ریزد. اما، نه چونان مویه سردادن عجزه ای پیر، بلکه اشکی روان از شوق دیدار که سراپای وجود عشاق حریمش را فرا گرفته است. عزاداری و احیای فرهنگ عاشورا، همچون آیتی محکم و سنتی ماندگار پویایی شیعه را در پی داشته و در قرون متعدد، به نحوی گویا پیام آزادگی حسین (ع) و عزت مداری وی را به گوش جهانیان رسانده است. عزاداری، نه صرفاً بر سر و سینه کوبیدن، بلکه ابراز محبت به خاندان اهل بیت و انزجار

و دوری از دشمنان ایشان است. این سیره موجبی شد محکم برای پیش گیری از تحریف وقایع عاشورا و عاشوراهاى خاندان نبوت؛ تا حماسه های جهان تشیع سینه به سینه و بدون کم و زیاد به دست ما برسد. تا ما هم عطش وجود من را با جرعه ای از شربت صفا و مهربانی حسین (ع) تسکین ببخشیم.

هجرت

هجرت؛ یعنی دوری گزیدن و اصطلاحاً نقل مکان و کوچ را می گویند. اگر آدمی در روند زندگی دین مدارانه خود به مشکل برخورد، واجب است تا به جایی که امکان زیستی سالم تر برای او هست، هجرت کند. ما نیز در گذار زندگی خود برای آن که از بلاها و آفت های مادی و معنوی مصون بمانیم؛ گاهی مجبور به جلای وطن می شویم. هجرت در راه حسین (ع) از بدو شروع و اولین قدم، زیارت به حساب آمده و ابعادی فراتر از شمارش دارد. هجرت، نه تنها اقدام عملی در راستای گرویدن به مشتاقان و راهیان کوی دوست است، بلکه تعظیم شعائر الهی و بزرگداشت حماسه سازان عاشورا است. این حرکت عظیم، انسان را در پیمودن راه های پر پیچ و خم زندگی پشتوانه بزرگی است و امر تجدید میثاق را در جان و روح آدمی می گنجانند. و از این روست که می بینیم در زیارات حضرتش آمده که ما هجرت و ثبات قدم در آن را از امام خویش بطلبیم. امید است که این وعده حق روزی نیز نصیب ما شود.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

